

تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال ، شماره

سنجش شاخص های تاثیرگذار در بهبود مشارکت محله محور (مورد مطالعه شهر زاهدان)

نظیر احمد هاشم زهی، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان، زاهدان،
ایران

Email: nazirhashemzhi@gmail.com

غلامرضا میری، استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان، زاهدان، ایران

Email: gholam_reza_miri@yahoo.com

معصومه حافظ رضازاده، استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان، زاهدان، ایران

Email: rezazadeh2008@gmail.com

چکیده

استفاده از ظرفیت های محله ای و بازتعریف نقش شهروندان در سطح محله های شهری به رویکردی جدیدی تحت عنوان مشارکت محله محور منجر شده است؛ چرا که بسیاری از چالش های شهری ریشه در عدم مشارکت شهروندان دارد. شهر زاهدان نیز از این موضوع مستثنی نیست. برای تحقق مشارکت محله محور، توجه و تقویت برخی شاخص ها بسیار ضروری است. هدف این تحقیق سنجش شاخص های تاثیرگذار در بهبود مشارکت محله محور جهت ارتقاء خدمات شهری در شهر زاهدان است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر گردآوری داده ها به صورت میدانی از طریق ابزار پرسش نامه است. جامعه آماری تحقیق را شهروندان ساکن در شهر زاهدان بالغ بر ۵۸۷۷۳۰ نفر تشکیل داده اند. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۳۲۲ نفر محاسبه شد. بررسی ۵ متغیر قابلیت اعتماد، پاسخگویی و مسئولیت پذیری، اطمینان، همدلی و توجه و عوامل ملموس و محسوس نشان می دهد که هر ۵ متغیر در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنادار بوده اند. بررسی اختلاف میانگین و آمار تی آزمون تایید نمود که شهروندان نسبت به عملکرد شهرداری و مدیران، اعتماد ندارند. همچنین آزمون تی تک نمونه ای نشان می دهد که شاخص های شفاف سازی، توانمندسازی، پایگاه اقتصادی، بسترهای ارزشی و احساس تعلق مکانی برابر با ۰/۰۰۰ و کمتر از ۰/۰۵ معنادار هستند. این مطلب بر تاثیرگذاری این شاخص ها بر بهبود مشارکت محله محور اشاره دارد. بر اساس نتایج مدل معادلات ساختاری بیشترین تاثیرگذاری مربوط به شاخص شفاف سازی با تبیین ۰/۱۹ سپس احساس تعلق مکانی با ۰/۱۵ است. همچنین آزمون تی تک نمونه ای نشان می دهد که مشارکت های یدی (اختلاف میانگین ۰/۵۱۰)، مالی (اختلاف میانگین ۰/۶۱۱) و فکری (اختلاف میانگین ۰/۴۸۶) با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ تاثیر زیادی می توانند در بهبود مشارکت محله محور و ارتقاء کیفیت خدمات شهری داشته باشند.

کلید واژگان: شاخص، مشارکت، محله محوری، شهر زاهدان

مقدمه

مدیریت شهری درست و مبتنی بر روش های صحیح همواره بعنوان یک چالش جدی پیش روی متخصصان شهری بوده است (محمدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۶۱). در اواخر قرن بیستم برنامه ریزان شهری متوجه این موضوع شدند که طرح ها و برنامه های شهری تنها زمانی موفقیت آمیز خواهند بود که متناسب با نیازها و خواسته های اقشار، طبقات و خرده فرهنگ های گوناگون و متنوع جامعه تدوین و تبیین گردند. نتایج تحقیقات وسیع و گسترده جامعه شناختی نشان دهنده این موضوع است که برنامه ریزی های شهری تمرکزگرا دیگر قادر به حل مسائل پیچیده کلانشهر نیستند. بر این مبنا شاهد گرایش هر چه بیشتر برنامه ریزان شهری به برنامه ریزی محلی، مشارکتی و از پایین به بالا در مقایسه با برنامه ریزی دستوری و از بالا به پایین هستیم (ماجدی و دشتکی، ۱۳۹۶: ۹۴). امروزه مشارکت یکی از مفاهیم عمده و اصلی توسعه پایدار به شمار می رود (بلیامون لوتا^۱، ۲۰۱۰: ۳۳۷). مدیران و برنامه ریزان شهری همواره سعی کرده اند تا با جلب مشارکت های مردمی به اهداف خود در زمینه اجرای طرح ها و برنامه ها به بهترین نحو ممکن نائل آیند (شریف زاده و صادقی، ۱۳۸۸: ۴۷). در قالب فرآیندی مشارکتی، دموکراتیک و مردم محور، توسعه محله ای از چندین دهه گذشته با تأکیدی خاص در کشورهای توسعه یافته، به عنوان محور برنامه های توسعه پایدار شهری قرار گرفت (رضایی و نگین ناجی، ۱۳۹۴: ۶۹). مدیریت محله به عنوان رویکردی تمرکز زدا، نقش تعیین کننده ای در رابطه با پیاده نمودن فاکتورهای توسعه شهری پایدار دارد (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). در حقیقت رویکرد محله محور بهترین رویکرد در راستای دستیابی به برنامه ریزی مشارکتی محسوب می شود که در آن مفاهیمی چون مشارکت جمعی فراگیر، حق انتخاب بیشتر برای ساکنین محلی، عدالت اجتماعی، ایجاد فرصت های برابر همراه با کارآیی بیشتر عینیت می یابد (ماجدی و دشتکی، ۱۳۹۶: ۹۴).

تجربیات به دست آمده از برنامه ریزی های انجام شده و توسعه های محلی صورت گرفته در دهه های گذشته نشان می دهند که عدم مشارکت مردم، سبب به وجود آمدن زیان های فراوان شده و جوامع را به سمت توجه به امر مشارکت عمومی سوق داده است (هیوانگ^۲، ۲۰۲۰: ۶۵). رویکرد مشارکت شهروندان در سطح محلات، محله را واحدی اجتماعی-فضایی در مقیاس خرد در نظر می گیرد که مدیریت شهری می تواند بر پایه آن شکل گیرد و منجر به ایجاد محله های پایدار و با هویت بر مبنای دارایی های محلی گردد. با توجه به مقتضیات، جامعه شهری و نهادهای محلی شهری، مقامات محلی، شوراهای شهری و به ویژه شهرداری ها، در این خصوص نقش، اهمیت و جایگاه خاصی دارند. بنابراین به منظور دستیابی به الگوهای مشارکت شهروندان در امور محلی، ابتدا باید بسترهای و پیش شرط هایی که لازمه توانمندسازی گروه ها و افراد جامعه هستند، شناسایی شوند تا مشارکت واقعی به معنای سهیم شدن در تصمیمات تاثیرگذار بر زندگی فردی و اجتماعی به بار نشیند (غفاری گیلانده و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۲-۸۳).

برای آنکه رویکرد مشارکت در محله های شهری، معنای واقعی به خود بگیرد، بایستی درک درستی از توسعه و توزیع خدمات در مناطق و محله های مختلف شهر پیاده و اجرایی شود (کمپبل و همکاران^۳، ۲۰۰۹: ۴۶۳).

1. Balamoune-Lutza

2. Huang

3. Campbell et al

چرا که توزیع خدمات به صورت عدالت محور یکی از راهکارهای اساسی جلب مشارکت شهروندان در زمینه های مختلف است. تحقیقی نشان می دهد که هر چه خدمات بهتر و با دسترسی مناسب تری در اختیار شهروندان قرار گیرد، آن بخش از جامعه شهری تمایل بیشتری نسبت به مشارکت در عرصه های گوناگون توسعه شهری از خود نشان داده اند(ارکیپ^۱، ۱۹۹۷: ۳۵۹).

در حقیقت می تواند مشارکت شهروندان را به روش های گوناگونی جلب نمود، اما بهترین روش ها می تواند از طریق اعتمادسازی، اطمینان بخشی، عمل به تعهدات، پاسخگویی و مسئولیت پذیری و مواردی از اینگونه محقق شود(وانگ^۲، ۲۰۰۸: ۷۶). بنابراین همه این موارد در نهایت با ارائه خدمات شهری مطلوب به شهروندان، پیامدهای مثبتی به همراه دارد که یکی از آنها، امکان مشارکت شهروندان در عرصه های گوناگون توسعه شهری است. در حقیقت با بهبود شاخص های سرمایه اجتماعی در ارتباط با عملکرد مسئولین شهری نسبت به شهروندان، مشارکت در سطوح مختلف از جمله مشارکت محله محوری قابل تحقق است. این نوع مشارکت در نهایت می تواند به ارتقای کیفیت خدمات شهری منجر می شود؛ چرا که مشارکت شهروندان در زمینه های گوناگون، خود تعهداتی شهروندی و شهروندمداری را ایجاد می نماید که بخشی از این تعهدات به بخش خدمات شهری مرتبط است. بنابراین با بهبود مشارکت شهروندان به صورت محله محوری، کیفیت خدمات شهری نیز می تواند ارتقاء یابد.

در مطالعه حاضر، شهر زاهدان به عنوان شهر مورد مطالعه انتخاب شده است. شهر زاهدان دارای پنج منطقه شهری با جمعیت بالغ بر ۵۸۷۷۳۰ نفر است(مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) که به عنوان مرکز استان سیستان و بلوچستان شناخته می شود. این شهر به عنوان قطب جمعیتی و خدماتی استان محسوب می شود که جمعیتی زیادی را در خود جای داده است. توسعه این شهر در دهه های گذشته بگونه ای صورت گرفته است که با مشکلاتی زیادی روبه رو است. بخشی زیادی از بافت این شهر به صورت سنتی باقی مانده و نتوانسته متناسب با رشد جمعیت، تغییرات مثبتی را داشته باشد. این عدم رشد هماهنگ با جمعیت، معضلات اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را به دنبال داشته است. با توجه به آنچه که بیان شد، بخش زیادی از مشکلات موجود به دلیل عدم مدیریت مناسب در عرصه توسعه شهری است؛ چرا که نوع رویکرد بکارگرفته شده در توسعه این شهر، یک توسعه مبتنی بر درک نیازهای شهروندان و مبتنی بر رویکرد توسعه پایدار نبوده است. برای شهر زاهدان نیز نوع رویکرد بکارگرفته شده بیشتر به صورت مقطعی و حل مسائل به صورت ترمیمی بوده است و کمتر به توسعه شهری در یک نگاه بلندمدت توجه و تاکید شده است. این موضوع در اکثر شهرهای ایران صادق است. در حقیقت ساختار مدیریت شهری در ایران با دارا بودن ویژگیهای غیر مشارکتی، متمرکز، از بالا به پایین، سیاست زده، فقدان همگرایی افقی، عدم ارتباط دوسویه مابین سطوح مختلف شهری، دیدگاه های نوین مدیریت شهری بر پایه سلول های بنیادین شهر (محله) را دچار نقصان آشکاری ساخته است(رضایی و نگین ناجی، ۱۳۹۴: ۶۹) و این موضوع در بلندمدت پیامدهای منفی زیاد به دنبال داشته که شهر زاهدان نیز از این موضوع مستثنی نیست. از این رو آنچه که به نظر می رسد در راستای تغییر رویکرد توسعه شهر زاهدان می تواند موثر باشد، بهبود مشارکت محله محور است؛ مشارکتی که با درک نیازهای شهروندان، سعی می کند آنها

۱ . Erkip

۲ . Wang

را در فرآیند برنامه ریزی و مدیریت محلات درگیر نماید و بخشی از توسعه شهری را به آنها واگذار نماید. این نوع مشارکت در نهایت می تواند تعهدات شهروندی را نسبت به شهر محل زندگی برای شهروندان ایجاد نماید؛ چرا که خود بخشی از برنامه ریزی شهری در محلات بوده اند. نکته دیگر اینکه توزیع خدمات در این شهر نیز می تواند در گروه مشارکت شهروندان باشد؛ چرا که در صورت مشارکت شهروندان، توزیع خدمات شهری نیز از نظر کمی و کیفی، شکل بهتری به خود می گیرد. بنابراین در این تحقیق هدف بررسی شاخص های موثر در بهبود مشارکت محله محور در شهر زاهدان و در نهایت ارتقاء کیفیت خدمات شهری با بهبود و تاثیرگذاری این شاخص ها است. سوالات تحقیق نیز به شرح ذیل است.

چه شاخص هایی در بهبود مشارکت محله محور در شهر زاهدان تاثیرگذار هستند؟
انواع مشارکت های یدی، مالی و فکری در بهبود مشارکت محله محور در شهر زاهدان چه تاثیر دارند؟
آیا میان مناطق شهر زاهدان از شاخص های مختلف در بهبود مشارکت محله محور تفاوت معناداری وجود دارد؟

مبانی نظری

تعریف مشارکت و محله

مشارکت به عنوان کنش و فعالیت اجتماعی هدفمند تحت تأثیر و برآیند عناصر فضایی است که به صورت منابع و سرمایه هایی (روابط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی) در جوامع ظاهر می شوند (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷). در روانشناسی اجتماعی، مشارکت پدیده ای ذهنی است که بدون فلسفه ای کارساز و راه گشا نمی تواند به صورت جزئی از فرهنگ مردم درآید (موسایی و شیان، ۱۳۸۹: ۲۴۸). به عقیده برخی از صاحب نظران اجتماعی عمل مشارکت در بطن جامعه در مفاهیمی چون دلبستگی، اتحاد، همکاری، انجمن و مانند آنها نهفته است و از قدیم شالوده پیدایش اجتماعی انسان شناختی نوع بشر تلقی شده است (قیصری، ۱۳۹۸: ۳۴). البته مشارکت بدون شک عامل اساسی در فرایند فعالیتهای پایدار اقتصادی نیز محسوب می شود (شایان و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۵).

همچنین محله به عنوان یک محیط فیزیکی تعریف می شود تمام امکانات اولیه جامعه مانند مدرسه، زمین بازی و فروشگاه محلی در داخل فراهم شده است (Diyanah and Hafazah, 2012: 205). در تعریف واژه های هم پیوند با محله، مبتنی بر بعد اجتماعی آن، مفهوم اجتماع محلی مطرح است. در لغت نامه آکسفورد، اجتماع محلی به معنای مجموعه ای از انسان هاست که در یک مکان، ناحیه و یا محدوده مشترک زندگی می کنند و ویژگی های مشترکی چون مذهب، شغل، نژاد، قومیت و نظایر اینها آنان را با یکدیگر پیوند می دهند (عبداللهی و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۸).

مفهوم مشارکت محله محور و شاخص های موثر

برنامه ریزی توسعه اجتماعات محلی در دهه های اخیر به زمینه شناخته شده ای تبدیل شده که هم مورد علاقه ی کارورزان^۱ بوده و هم آکادمیسین ها قرار گرفته است. توسعه ی اجتماع محلی به طرق مختلفی تعریف شده است. بسیاری از کارورزان توسعه ی اجتماع را نتیجه؛ یعنی مجموعه ای از پیشرفت های مادی، اجتماعی و اقتصادی می دانند، در حالی که غالب آکادمیسین ها توسعه ی اجتماع محلی را یک فرایند توانایی اجتماعات

¹ Practitioners

برای انجام کنش دسته جمعی و ارتقای این توانایی می‌دانند. سعه اجتماعات محلی به مثابه یک فرایند و به عنوان ابزاری در ارتقای مشارکت و حکمروایی مردم سالارانه در زمینه های مختلف اقتصادی- اجتماعی به کار گرفته می‌شود. در کل، توسعه اجتماع محور را می‌توان به مثابه فرایندی محسوب کرد که به موجب آن گروه- های اجتماع محلی قادر به کنترل تصمیمات و تخصیص منابع از بالا جهت توسعه محلی شوند(اسکندری ثانی و دیگران، ۱۳۹۳:۳).

از اواسط دهه 1980 میادی تاکنون، توجه عمده مدیریت شهری بر ظرفیت سازی محلی و تقویت نهادی- سازمانی برای مدیریت فرایند توسعه شهری و در نهایت حرکت از نوعی مدیریت متمرکز به مدیریت محلی و سطوح پایین تر و ابعاد ملموس زندگی شهری معطوف شده. ون دایک با برشمردن نه چالش عمده فراروی مدیریت شهری، در صدر آنها به موضوعاتی از قبیل تغییر نقش حکومت و سطوح آن، شکل‌گیری چارچوب‌های جدید قانونی در نتیجه‌ی تمرکززدایی، ظهور سازمان‌ها و نهادهای جدید و اهمیت ظرفیت سازی برای مدیریت شهری اشاره می‌کند. به اعتقاد وی در پی تحولات گسترده جهانی، نقش حکومت و سطوح آن به ویژه در کشورهای درحال توسعه، در حال تغییر است. این تحول در قالب تغییر نقش حکومتها از یک تأمین کننده خدمات به تسهیلگر، و ایجاد فرصت‌های جدیدی برای مداخله و مشارکت گروه‌های مختلف در روند اجرای امور به وجود می‌آید. بنابراین لزوم استفاده از ظرفیت‌های محله‌ای و بازتعریف نقش بازیگران و کنشگران مدیریت شهری در سطح محله‌ای، منجر به شکل‌گیری و اجرای الگویی جدید از مدیریت شهری در سطح محلات به عنوان مدیریت محله محور شده است(نوریان و مظفری پور، ۱۳۹۲:۴۸).

اشکال مشارکت اجتماعی را میتوان به دو صورت مورد مطالعه قرار داد: الف) نهادی (رسمی) که دربرگیرنده‌ی عضویت در سازمان‌ها، انجمن‌ها و کلوپ‌ها (باشگاه‌ها) با فعالیت برنامه‌ریزی‌شده در یک زمان و مکان مشخص است. ب) مشارکت غیررسمی که خود دربرگیرنده‌ی دو نوع است: ۱. مشارکت اتفاقی شامل مشارکت در فعالیت‌های گروهی با فواصل نامنظم، مثل همکاری با خیریه‌هایی که در جهت کمک به محرومین و افراد خاص تشکیل می‌شود ۲. مشارکت پایدار که شامل مشارکت قاعده‌مند و فعالیت در گروه‌هایی دائم و همیشگی. از جمله شاخص‌های موثر بر مشارکت در فعالیت‌های محله‌ای را می‌توان به مولفه‌های ذیل اشاره کرد:

۱. دلبستگی مکانی^۱ (واژه‌ی دلبستگی به مکان به تأثیر عاطفی یک مکان اشاره دارد که افراد به لحاظ حسی و فرهنگی به آن جذب می‌شوند).

۲. رضایتمندی سکونت(شکاف قابل مشاهده بین آمال و نیازهای ساکنین واقعیت موجود بستر سکونت آن‌ها)

۳. همبستگی و تعاملات اجتماعی(همبستگی اجتماعی در لغت به معنای وحدت، وفاق و وفاداری است که ناشی از علائق، احساسات، همدلی و کنش‌های مشترک است)

۴. اعتماد اجتماعی(به عنوان بخشی از واکنش فرد در قبال دیگران و به عنوان بخشی از برهم کنش بین کارگزاران اجتماعی می‌باشد)

۵. آگاهی اجتماعی(اصولاً پیش شرط اولیه برای مشارکت اجتماعی، آگاهی است. آگاهی یک متغیر معرفتی متعلق به افراد است)(آروین و دیگران، ۱۳۹۶:۳۸).

¹ place attachment

نظریات مشارکت

کانینگهام، مشارکت را فرایندی تعریف می‌کند که در آن افراد در تصمیم‌گیری‌های مربوط به جامعه، تمرین قدرت می‌کنند. منطق پشت افزایش مشارکت عمومی در برنامه ریزی اجتماعی، به حداکثر رسیدن مشارکت مستقیم افرادی است که تحت تأثیر تصمیمات گرفته شده قرار می‌گیرند. بسیاری، مشارکت اجتماع محلی را وسیله‌ای برای توسعه نقش دموکراتیک در برنامه ریزی و توسعه محلی می‌دانند. مسائلی مثل این چه کسی مشارکت می‌کند، چه زمان مشارکت می‌کند و چگونه مشارکت می‌کند برای تصمیم‌گیری منصفانه، کارآمد و پایدار بسیار اهمیت دارد. باید به دقت به نکته نظرات مخالف گوش داد تا بهترین تصمیمات گرفته شوند(زارع و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۹).

نظریات مختلفی در زمینه مشارکت وجود دارد که از جنبه‌های مختلف به موضوع مشارکت تاکید نموده اند از جمله این نظریات می‌توان به نظریه مشارکت جان ترنر(با محوریت رابطه دولت‌های مرکزی و مردم)، نظریه مشارکت جیمز میجلی(بر اساس پاسخ دولت به مشارکت)، نظریه مشارکت شری ارنشتاین(برنامه ریزی فرآیندی برای نمایش طیف وسیعی از مشکلات اجتماعی، ارتقاء شرایط برای تمامی مردم، ارتقاء منابع و فرصت‌های ممکن تلقی می‌شود)، نظریه اسکات دیوید سون و دیوید دریسکل(بر اساس سطوح چهارگانه اطلاع‌رسانی، مشاوره، مشارکت، توانمندسازی)، نظریه روانشناسی اجتماعی رابرت دال و ملوین سیمن(بر جنبه‌های روان‌شناختی و روان اجتماعی) و نظریه اجتماعی مشارکت هانتینگتون(مشارکت تابعی از فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی است) اشاره نمود(هاشم زهی، ۱۳۹۹: ۴۵-۳۹).

نظریه توانمندسازی جامعه محلی

توانمندسازی، فرآیند تقسیم‌مقداری از قدرت نیست؛ بلکه فرایندی است که قدرت نسبی هر فرد به واسطه آن افزایش می‌یابد و قدرت جدیدی برای سازمان ایجاد می‌شود. توانمندسازی، نفوذ مبتنی بر صلاحیت است که باید ایجاد شود. این قدرت، بسیار فراتر از تصور قدرتی است که تقسیم یا تسهیم می‌شود؛ قدرتی نشأت گرفته از این اندیشه که قدرت می‌تواند و باید از راه ارتقای مداوم شایستگی و کاربرد آن ایجاد شود(میرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۶). اصولاً هنگامی که شهروندان، در بهبود وضعیت زندگی شهری نقش داشته باشند و به این نتیجه برسند که این بهبود، نتیجه اقدام و همکاری خود ایشان بوده است، بیش از پیش به مشارکت ترغیب می‌شوند. بدون شک شهروندانی می‌توانند در مدیریت شهر مشارکت داشته باشند که دارای ظرفیت، قابلیت و توانمندی لازم باشند.

پیشینه تحقیق

مومنی و همکاران^۱(۲۰۱۱) به این نتیجه دست یافتند که امکان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری منجر به افزایش رضایت آنها می‌شود. استلزل و نواینگ^۲(۲۰۱۷) در تحقیق خود نشان داد که از مهمترین عوامل در راستای مشارکت شهروندان، ایجاد دیتابیس‌های مختلف با ارائه اطلاعات گوناگون برای شهروندان است که

^۱ . Momeni et al

^۲ . Stelzle and Noenning

بتوانند در کوتاه ترین زمان به آنچه که نیاز دارند دسترسی داشته باشند. عمر و همکاران^۱ (۲۰۱۷) به این نتیجه دست یافتند که مهمترین عامل تاثیرگذار در مشارکت جوانان در محله های شهری، درک مشارکت آنها در برنامه های جامعه و تعامل اجتماعی در فضای باز است. هانگ^۲ (۲۰۱۸) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت جهت تشویق مردم به مشارکت در طرح های شهری، ارائه اعتبارات مناسب است. کروز و مارینز^۳ (۲۰۱۹) نتیجه گرفتند که مشارکت مردم تحت تاثیر بازخورد مثبت مدیران شهری بوده است. داس و همکاران^۴ (۲۰۱۹) نشان دادند که اطلاع رسانی، آموزش، مشورت، مشارکت، همکاری و ظرفیت سازی در اجرای پروژه ها بسیار مهم هستند. ماتاماندا و چینزوینا^۵ (۲۰۲۰) به این نتیجه دست یافتند که مشارکت شهروندان تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که به نخبگان سود می رسانند در حالی که فقرا را متضرر می کنند. لی و همکاران^۶ (۲۰۲۰) سه عامل جامعه مدنی، علاقه شخصی، تأثیر اجتماعی به عنوان عوامل مثبت و عامل محدودیت ها به عنوان عامل منفی تاثیرگذار در انگیزه شهروندان جهت مشارکت را ذکر نموده اند. بزی و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند که با افزایش و تقویت عملکرد شورایاران محلی، میزان مشارکت شهروندان در فعالیت های مرتبط با مدیریت شهری نیز افزایش خواهد یافت. تحقیق شبستر و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد که استفاده از تبلیغات و آموزش، بکارگیری افراد محلی در دفاتر تسهیلگری نوسازی و برگزاری گردهمایی های محله ای می تواند در راستای بهبود مشارکت موثر باشد. شربت (۱۳۹۷) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که رابطه معناداری بین رضایت، اعتماد و آگاهی شهروندان از عملکرد مدیران با متغیر مشارکت وجود دارد. رضایی کوچی (۱۳۹۸) نشان داد که در ارتباط با توسعه شهری، قوی ترین اثر مربوط به رابطه بین بازنمایی قدرت شهروندان با میزان موفقیت مدیریت شهری بوده است.

نتیجه کلی تحقیقات نشان می دهد که شاخص سرمایه اجتماعی، آموزش، ایجاد نهادهای مردمی، ارائه اطلاعات، ویژگی های فردی، تبلیغات و اعتبارات در بهبود مشارکت شهروندان موثر بوده است. در این تحقیق جنبه ها یا شاخص های مهم دیگری مورد تاکید قرار گرفته است که در راستای تکمیل این مطالعات می باشد. نو آوری این تحقیق با تحقیقات گذشته به دو صورت است. اول از نظر روش شناسی که از روش معادلات ساختاری استفاده شده است. دوم اینکه برخی شاخص های مهم از جمله شفاف سازی، توانمندسازی و تعلق مکانی نیز مورد تاکید قرار گرفته شده که در تحقیقات قبلی کمتر مورد توجه بوده است. در حقیقت در این تحقیق دیدگاه حاکم یک دیدگاه عدالت محور و مبتنی بر شاخص های توسعه فضایی پایدار و مشارکتی بوده است.

روش تحقیق

روش شناسی

1 . Omar et al

2 . Hong

3 . Cruz and Marins

4 . Das et al

5 . Matamanda and Chinozvin

6 . Li et al

تحقیق حاضر از نوع روش توصیفی-تحلیلی و از نظر نوع کاربردی است. این تحقیق مبتنی بر گردآوری داده های میدانی است. ابزار گردآوری داده های میدانی از طریق ابزار پرسش نامه محقق ساخته بوده است. جامعه آماری تحقیق را شهروندان شهر زاهدان تشکیل داده اند که بر اساس سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۹۵)، بالغ ۵۸۷۷۳۰ نفر و ۱۴۶۷۱۷ خانوار بوده است. این جامعه آماری در ۵ منطقه شهری پراکنده شده اند. بر اساس فرمول کوکران^۱، نمونه آماری برای جامعه آماری در سطح فرد به تعداد ۳۲۲ نفر محاسبه شد. پرسشگری در سطح فرد انجام گرفت. روایی تحقیق از طریق جامعه نخبگان انجام شد. با توجه به لزوم توجه به پایایی تحلیل ها در پرسشنامه های مورد نظر، میزان این شاخص با استفاده از آمار آلفای کرونباخ مورد محاسبه قرار گرفت که میزان آن برابر با ۰/۸۰ و بیشتر از ۰/۷۰ محاسبه شده که قابل قبول است. روش تعیین حجم نمونه در هر منطقه، بر اساس نسبت جمعیتی بوده است و در حقیقت متناسب با جمعیت هر منطقه شهری، حجم نمونه مشخص شد. نمونه گیری به صورت خوشه ای بوده است اما نمونه گیری در سطح افراد نمونه، به صورت تصادفی (اتفاقی) بوده و هر یک از افراد شانس یکسانی جهت مشارکت در تحقیق را داشته اند. در این تحقیق از آزمون های آماری در نرم افزار spss جهت تحلیل ها و همچنین معادلات ساختاری در نرم افزار AMOS استفاده شده است.

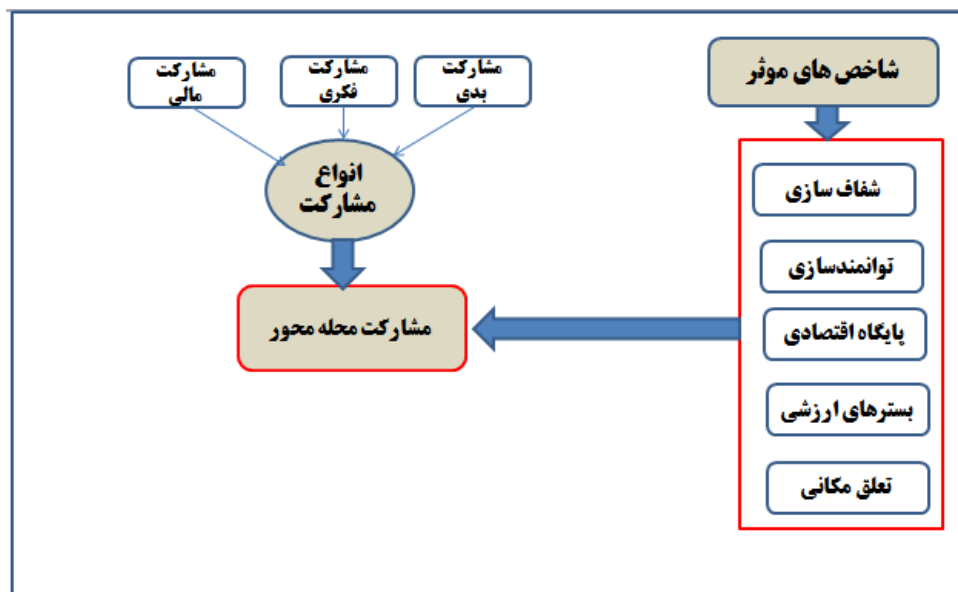
جدول (۱). ضریب آلفای کرونباخ برای بخش های مختلف پرسشنامه

متغیر	گویه	مقدار ضریب آلفای کرونباخ	ضریب کل
کیفیت خدمات شهری	۲۲	۰/۸۰	۰/۸۰
شفاف سازی نهادها	۸	۰/۸۳	
توانمندسازی جامعه محلی	۱۱	۰/۸۲	
پایگاه اقتصادی	۶	۰/۷۹	
بسترهای ارزشی	۱۱	۰/۸۴	
احساس تعلق مکانی	۷	۰/۷۷	
مشارکت های یدی، مالی و فکری	۱۵	۰/۷۸	

(نگارنده گان، ۱۳۹۹)

با توجه به موضوع تحقیق، شاخص های موثر در مشارکت محله محور در یک سو مدل مفهومی قرار می گیرند که به عنوان متغیر مستقل، تاثیر آنها روی متغیر مشارکت محله محور به عنوان متغیر وابسته سنجیده شده است. از سوی دیگر برخی متغیرهای دیگر مانند مشارکت های یدی، مالی و فرکی نیز در این زمینه نقش مهمی ایفاء می نمایند.

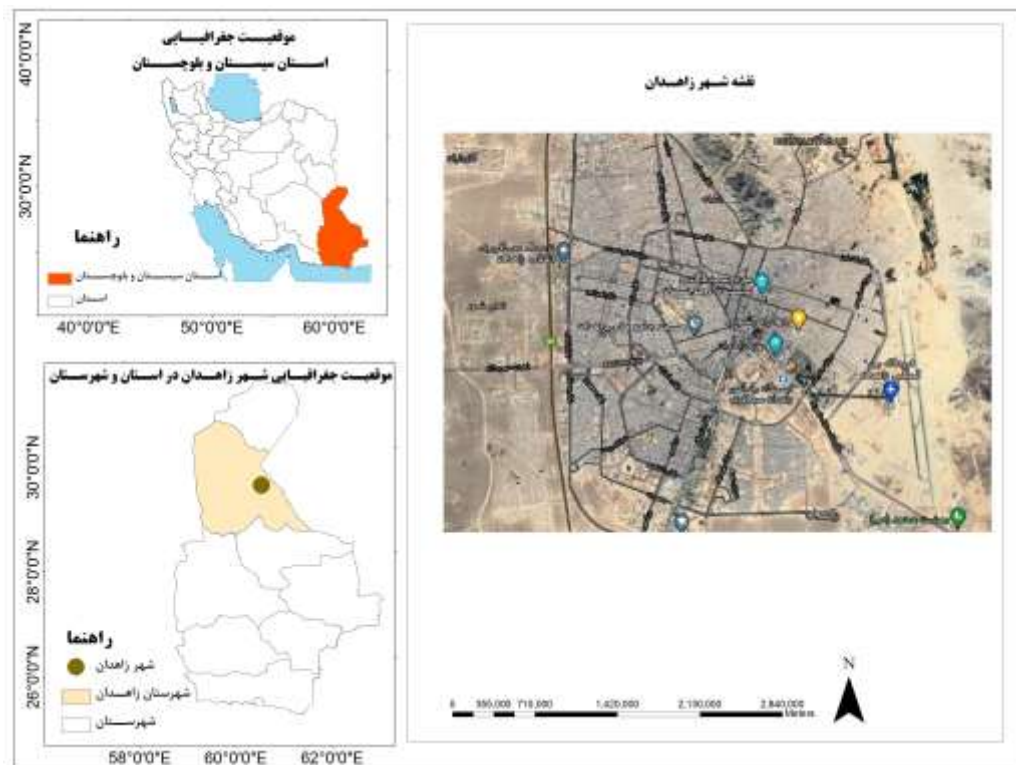
¹ - Cocran



شکل (۱). مدل مفهومی تحقیق؛ ماخذ (نگارنده گان، ۱۳۹۹)

شهر مورد مطالعه

زاهدان یکی از شهرهای ایران و مرکز استان سیستان و بلوچستان است. زاهدان شهری است که در ۵۱۷ کیلومتری شرق شهر کرمان و نیز در نزدیکی کشور پاکستان واقع شده است. این شهر از طریق راه زمینی از سمت شمال به مشهد و از سمت جنوب به چابهار مرتبط شده و همچنین دارای ایستگاه راه آهن و فرودگاه بین المللی است. زاهدان از لحاظ مختصات جغرافیایی در ۶۰ درجه و ۵۱ دقیقه و ۲۵ ثانیه طول شرقی و ۲۹ درجه و ۳۰ دقیقه و ۴۵ ثانیه عرض شمالی واقع شده است. جمعیت زاهدان برپایه سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران بالغ بر ۵۸۷۷۳۰ نفر بوده که از این جهت، دوازدهمین شهر پرجمعیت ایران محسوب می شود. این شهر دارای پنج منطقه شهری است.



نقشه (۱): موقعیت جغرافیایی شهر مورد مطالعه

منبع: (باز ترسیم نگارنده، ۱۳۹۹)

تجزیه و تحلیل داده ها

بررسی توصیفی متغیر جنس نشان می دهد که ۵۵/۹ درصد نمونه از گروه مردان و ۴۴/۱ درصد نیز از گروه زنان هستند. بر اساس آمار ارائه شده، میانگین سنی نمونه مطالعه شده ۴۵ سال می باشد. بیشترین سطح تحصیلات افراد مربوط به گروه لیسانس با ۳۵/۷ درصد و کمترین مربوط به گروه بیسواد با ۴ درصد می باشد. بررسی نشان می دهد که ۴۰/۱ درصد افراد، بین ۱۱ تا ۱۵ سال اقامت در محله داشته اند و لذا نسبت به محله و تغییرات آن آگاهی و دانش کافی دارند. ۱۹/۳ درصد نمونه بین ۱۶ تا ۲۰ سال و ۲۸ درصد نیز بین ۱۰ تا ۱۰ سال در محله کنونی سکونت داشته اند. ۸/۷ درصد بین ۱ تا ۵ سال و ۴ درصد نیز بین ۲۱ تا ۲۵ سال در محله کنونی حضور داشته اند.

سنجش مشارکت شهروندان در محله نشان می دهد که بیش از ۵۲/۲ درصد نمونه میزان مشارکت شهروندان در محله را کم و ۱۶/۱ درصد خیلی کم ارزیابی نموده اند. بر این اساس بیش از ۶۸/۳ درصد نمونه رضایت چندانی از مشارکت نداشته اند. ۱۹/۶ درصد گزینه متوسط را انتخاب کرده اند. ۸/۱ درصد گزینه مشارکت زیاد و ۴ درصد نیز مشارکت خیلی زیاد را انتخاب نموده اند. ۱۲ درصد نمونه نسبت به مشارکت شهروندان رضایت داشته اند.

سنجش معناداری نرمال بودن توزیع داده ها

برای اینکه مشخص شود توزیع نمونه نرمال بوده یا نه، از آزمون کلموگراف اسمیرونوف استفاده شد. با توجه به اعداد به دست آمده برای معیار تصمیم که معمولاً برابر با عدد ۰/۰۵ است، می توان نتیجه گرفت که توزیع داده

ها نرمال است؛ چرا که همه اعداد به دست آمده در جدول بیشتر از ۰/۰۵ می باشد و این نشان دهنده توزیع نرمال شاخص ها است. لذا از آزمون های پارامتریک ای استفاده شده است.

جدول (۲). سنجش معناداری نرمال بودن توزیع داده ها

شاخص	کیفیت خدمات شهری	شفاف سازی	توانمندسازی جامعه محلی	پایگاه اقتصادی	بسترهای ارزشی	احساس تعلقی مکانی	مشارکت یدی	مشارکت مالی	مشارکت فکری (مشاوره ای)
تعداد	۳۲۱	۳۲۱	۳۲۱	۳۲۱	۳۲۱	۳۲۱	۳۲۱	۳۲۱	۳۲۱
آمار کلموگراف - اسمیرونوف	۱/۰۹۱	۱/۳۲۴	۱/۰۲۳	۱/۱۳۴	۱/۴۵۶	۱/۷۶۸	۱/۲۳۴	۱/۰۰۹	۱/۶۰۴
معیار تصمیم	۰/۳۲۴	۰/۲۳۴	۰/۱۲۳	۰/۳۲۵	۰/۱۱۲	۰/۱۰۴	۰/۲۳۹	۰/۷۶۸	۰/۱۳۴

(نگارنده گان، ۱۳۹۹)

سنجش شاخص کیفیت خدمات شهری

سنجش شاخص کیفیت خدمات شهری در سطح متغیرها نیز با آزمون تی تک نمونه ای بررسی شد. بررسی ۵ متغیر قابلیت اعتماد، پاسخگویی و مسئولیت پذیری، اطمینان، همدلی و توجه و عوامل ملموس و محسوس نشان می دهد که هر ۵ متغیر در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنادار بوده اند. بررسی اختلاف میانگین، آمار تی و دیگر پارامترهای آزمون تایید می نماید که از نظر شهروندان، وضعیت این متغیرها ضعیف ارزیابی شده است. در حقیقت شهروندان نسبت به عملکرد شهرداری و مدیران، اعتماد ندارند. از نظر آنها مسئولیت پذیری، پاسخگویی و توجه به شهروندان از سوی کارشناسان پایین بوده است. علاوه بر این آزمون شاخص کیفیت خدمات شهری نیز در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ قرار دارد. بررسی اختلاف میانگین آزمون نیز برابر با ۰/۳۳۱-، آمار تی برابر با ۸/۵۴۸- است. لذا تایید می گردد که از نظر مردم، کیفیت خدمات شهری، ضعیف هستند و در صورت توجه به این شاخص و متغیرهای آن، امکان مشارکت فراهم می شود. توضیح اینکه همین نامناسب بودن و عدم رضایت مندی شهروندان به خدمات شهری، عاملی مهم در کاهش مشارکت شهروندان است.

جدول (۳). سنجش معناداری شاخص کیفیت خدمات شهری از دیدگاه شهروندان با آزمون تی تک نمونه ای

متغیر						مبنای آزمون = ۳	
ت	درجه آزادی	سطح معنی داری	اختلاف از میانگین	فاصله اطمینان در سطح ۹۵ درصد		حد بالا	حد پایین
-9/002	321	۰/۰۰۰	-0/418	-0/509	-0/327		
-8/942	321	۰/۰۰۰	-0/396	-0/483	-0/309		
-5/921	321	۰/۰۰۰	-0/254	-0/338	-0/170		
-6/536	321	۰/۰۰۰	-0/257	-0/334	-0/180		
-7/669	321	۰/۰۰۰	-0/332	-0/418	-0/247		
-8/548	321	۰/۰۰۰	-0/331	-0/408	-0/255		

سنجش معناداری شاخص های موثر در بهبود مشارکت محله محور

پنج شاخص از نظر تاثیرگذاری بر بهبود مشارکت محله محور از دیدگاه شهروندان بررسی شد. آزمون تی تک نمونه ای نشان می دهد که سطح معناداری برای شاخص شفاف سازی برابر با $0/000$ و کمتر از $0/05$ معنادار است. اختلاف میانگین برابر با $0/568$ و مقدار تی ($13/373$) و حد بالا و پایین آزمون که مثبت می باشد، تایید می نماید که شاخص شفاف سازی از دیدگاه شهروندان می تواند نقش بسیار مهم و اساسی را در بهبود شاخص مشارکت در سطح محلات داشته باشد. همچنین سطح معناداری محاسبه شده برای شاخص توانمندسازی با مقدار $0/000$ و کمتر از $0/05$ تایید می نماید که شاخص توانمندسازی جامعه محلی نیز از دیدگاه شهروندان می تواند نقش بسیار مهم و اساسی را در بهبود شاخص مشارکت در سطح محلات ایفا نماید.

علاوه بر این سه شاخص پایگاه اقتصادی، بسترهای ارزشی و احساس تعلق مکانی نیز آزمون تی تک نمونه ای نشان می دهد که سطح معناداری برابر با $0/000$ و کمتر از $0/05$ معنادار است. اختلاف میانگین به ترتیب برابر با $0/573$ ، $0/481$ و $0/583$ تایید می نماید که این سه شاخص نیز در ارتقای شاخص مشارکت می توانند نقش مهمی ایفا نمایند.

جدول (۴). سنجش معناداری تاثیر شاخص های مختلف در بهبود مشارکت محله محور با آزمون تی تک نمونه ای

مبنای آزمون = ۳						گویه
فاصله اطمینان در سطح ۹۵ درصد		اختلاف از میانگین	سطح معنی داری	درجه آزادی	t	
حد بالا	حد پایین					
0/651	0/484	0/568	۰/۰۰۰	321	13/373	شفاف سازی
0/650	0/458	0/554	۰/۰۰۰	321	11/380	توانمندسازی جامعه محلی
0/665	0/481	0/573	۰/۰۰۰	321	12/257	پایگاه اقتصادی
0/578	0/383	0/481	۰/۰۰۰	321	9/670	بسترهای ارزشی
0/665	0/500	0/583	۰/۰۰۰	321	13/914	احساس تعلق مکانی

سنجش معناداری تاثیر انواع مشارکت در بهبود مشارکت محله محور

بررسی آزمون تی تک نمونه ای در زمینه شاخص انواع مشارکت نشان می دهد که سطح معناداری کمتر از $0/05$ برای تمامی مشارکت های یدی، مالی و فکری است. بررسی جهت معناداری بر اساس پارامتر اختلاف میانگین و آماره تی که مثبت می باشند، نشان می دهد که مشارکت های یدی (اختلاف میانگین $0/510$)، مالی (اختلاف میانگین $0/611$) و فکری (اختلاف میانگین $0/486$) تاثیر زیادی می توانند در بهبود مشارکت محله محور و ارتقاء کیفیت خدمات شهری داشته باشند؛ چرا که این اختلاف میانگین گویای این نکته است که میانگین مشارکت ها بیشتر از مقدار ملاک آزمون (۳) بوده و لذا متغیرهای ذکر شده در بهبود مشارکت از دیدگاه شهروندان موثر هستند. مشارکت شهروندان از روش های مختلف، مزایای متنوعی دارد، که

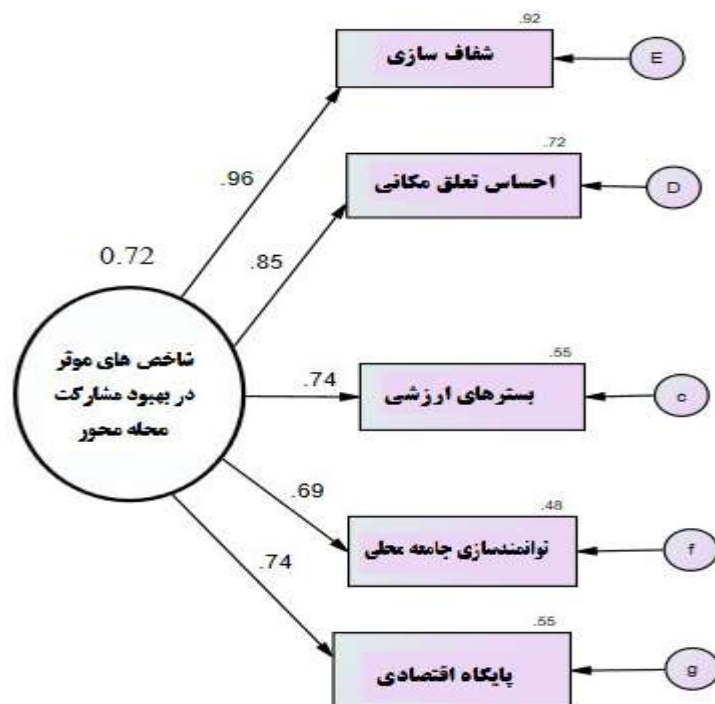
در صورت توجه و تاکید بیشتر، به توسعه پایدار شهری نیز می انجامد؛ چرا که بخشی از توسعه پایداری شهری، نتیجه مشارکت مردم به روش های مختلف است.

جدول (۵). سنجش معناداری تاثیر انواع مشارکت در بهبود مشارکت محله محور با آزمون تی تک نمونه ای

مبنای آزمون = ۳						متغیر
فاصله اطمینان در سطح ۹۵ درصد		اختلاف از میانگین	سطح معنی داری	درجه آزادی	t	
حد بالا	حد پایین					
0/586	0/434	0/510	۰/۰۰۰	321	13/127	مشارکت یدی
0/696	0/526	0/611	۰/۰۰۰	321	14/135	مشارکت مالی
0/585	0/386	0/486	۰/۰۰۰	321	9/609	مشارکت فکری(مشاوره ای)

(نگارنده گان، ۱۳۹۹)

سنجش اهمیت و تاثیر گذاری شاخص ها بر بهبود مشارکت محله محور با معادلات ساختاری از مدلسازی معادلات ساختاری برای بررسی و سنجش اهمیت و تاثیرگذاری شاخص های شفاف سازی، توانمندسازی، پایگاه اقتصادی، بسترهای ارزشی و احساس تعلق مکانی در بهبود مشارکت محله محور استفاده شده است. در حقیقت با استفاده از مدلسازی مشخص می شود که این شاخص های می توانند در بهبود مشارکت محله محور موثر باشند یا نه؟ با استفاده از نرم افزار AMOS، ابتدا مدل تحلیلی عاملی تاییدی مرتبه اول مربوط به شاخص های ترسیم شد و اعتبارسنجی آنها انجام شد. بارهای عاملی مربوط به شاخص های مدل مذکور بالاتر از ۰/۳ بوده و نشانگر وضعیت قابل قبول شاخص های قرار گرفته در مدل می باشد. در واقع بررسی وضعیت برازش مدل نقش شاخص های پنجگانه در بهبود مشارکت محله محور با مقادیر مدل مذکور از اعتبار و دقت لازم برخوردار بوده و توانسته است نقش این شاخص های پنجگانه در بهبود مشارکت محله محور را تبیین نماید (جدول ۶). تمامی شاخص ها با مقادیر پیشنهادی و استاندارد مطابقت دارند. میزان بار عاملی ۵ شاخص بررسی شده برابر با ۰/72 است و این از تاثیرگذاری و نقش آفرینی شفاف سازی، توانمندسازی، پایگاه اقتصادی، بسترهای ارزشی و احساس تعلق مکانی در بهبود مشارکت محله محور اشاره دارد.



شکل (۲). مدل نهایی معادله ساختاری نقش شاخص‌های مختلف در بهبود مشارکت محله محور (نگارنده گان، ۱۳۹۹)

جدول (۶). شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل نقش شاخص‌های مختلف در بهبود مشارکت محله محور

شاخص	CMIN	DF	CMIN/DF	CFI	RMSEA	HOELTER	RMR	GFI	NFI	PRATIO
مدل نهایی	۱۹/۳۲۱	۶	۴/۲۳۱	۰/۹۶۱	۰/۰۷۰	۱۳۴	۰/۰۳۹	۰/۹۴۲	۰/۹۷۲	۰/۳۰۲
مقادیر پیشنهادی	-	-	-	> ۰/۹	< ۰/۰۸	> ۷۵	≈ ۰	> ۰/۹	> ۰/۹	۰-۱

(نگارنده گان، ۱۳۹۹)

پس از بررسی برازش کلیت مدل نقش شاخص‌های شفاف سازی، توانمندسازی، پایگاه اقتصادی، بسترهای ارزشی و احساس تعلق مکانی در بهبود مشارکت محله محور، اثر متغیر مستقل بر متغیر وابسته پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. همان‌طور که مشاهده می‌شود (جدول ۷)، نقش شاخص‌های ذکر شده در بهبود مشارکت محله محور در میان پاسخگویان در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنادار است. بالاتر بودن نسبت بحرانی^۱ برآورد شده از مقدار ۲/۵۸ (نسبت بحرانی بالاتر از ۲/۵۸ نشانگر معناداری اثر می‌باشد)، نیز نشان‌دهنده معناداری اثر

^۱- CR

متغیر مستقل پژوهش (شاخص های ذکر شده) بر متغیر وابسته (مشارکت محله محور) می باشد. در مجموع می توان چنین عنوان کرد که شاخص های شفاف سازی، توانمندسازی، پایگاه اقتصادی، بسترهای ارزشی و احساس تعلق مکانی در بهبود مشارکت محله محور می توانند موثر است. بررسی میزان نقش شاخص های پنجگانه در بهبود مشارکت نشان می دهد مقدار اثر کل ۰/۷۰ بوده و در مجموع شاخص های بررسی شده می تواند حدود ۰/۷۰ درصد واریانس، نقش آفرینی و تاثیرات مثبت در بهبود مشارکت را تبیین نماید. بر اساس نتایج این مدل بیشترین تاثیرگذاری مربوط به شاخص شفاف سازی با تبیین ۰/۱۹ است. شاخص توانمندسازی توان تبیین ۰/۱۱، پایگاه اقتصادی توان تبیین ۰/۱۲، بسترهای ارزشی توان تبیین ۰/۱۳ و احساس تعلق مکان نیز توان تبیین ۰/۱۵ را در زمینه بهبود مشارکت محله محور دارا است.

جدول (۷). برآورد استاندارد، غیر استاندارد و نقش شاخص های مختلف در بهبود مشارکت محله محور

متغیر مستقل	متغیر وابسته	برآورد		نسبت بحرانی	اثر کل	ضریب تعیین R^2	سطح معناداری
		غیر استاندارد	استاندارد				
شفاف سازی	مشارکت محله محور	۰/۷۶۵	۰/۶۸۹	۹/۳۸۷	۰/۱۹	۰/۴۹	۰/۰۰۰
توانمندسازی		۰/۶۵۷	۰/۴۵۶	۷/۶۵۷	۰/۱۱	۰/۴۱	۰/۰۰۰
پایگاه اقتصادی		۰/۴۳۵	۰/۵۶۷	۹/۰۹۸	۰/۱۲	۰/۳۹	۰/۰۰۳
بسترهای ارزشی		۰/۶۷۸	۰/۷۱۳	۸/۱۴۳	۰/۱۳	۰/۳۹	۰/۰۰۱
احساس تعلق مکانی		۰/۹۷۱	۰/۶۱۲	۷/۲۱۳	۰/۱۵	۰/۴۵	۰/۰۰۰

(نگارنده گان، ۱۳۹۹)

بررسی تفاوت معناداری مناطق شهر زاهدان از شاخص های مختلف در بهبود مشارکت محله محور

برای بررسی تفاوت معناداری مناطق شهر زاهدان از نظر شاخص های مختلف در بهبود مشارکت محله محور از آزمون آنووا استفاده شد تا مشخص شود که مناطق شهر زاهدان تفاوت معناداری در این زمینه ها با همدیگر دارند یا نه. با تاکید بر نتایج به دست آمده در جدول زیر، می توان اینگونه نتیجه گرفت که هر پنج منطقه شهر زاهدان با توجه به سطح معناداری به دست آمده در زمینه شاخص های مختلف در بهبود مشارکت محله محور تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. به عبارت دیگر شاخص های موثر در بهبود مشارکت محله محور از دیدگاه شهروندان در مناطق ۵ گانه دارای وضعیت یکسانی نیستند و پنج منطقه شهری متفاوت هستند. در واقع حداقل یکی از این مناطق با چهار منطقه دیگر تفاوت دارد. لذا می توان عنوان نمود که اختلافات بین مناطق در این زمینه احتمالاً برحسب تصادف نیست. یعنی شاخص مستقل بر روی شاخص های وابسته مورد مطالعه دارای اثری می باشند که چنین شرایطی را برای این پنج منطقه فراهم کرده است. لذا مشخص می گردد که اثر کلی F برای عوامل مستقل گروه بندی شده بین آزمودنی های پنج منطقه با شاخص های مختلف در بهبود مشارکت محله محور معنادار است. بنابراین تفاوت معنادار بودن خدمات شهری در ۵ منطقه شهر زاهدان تایید شده و عدم اختلاف معناداری رد می گردد. جدول زیر نتایج تحلیلی و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ برای هر کدام از مولفه ها را بخوبی نشان می دهد.

جدول (۸). ارزیابی تفاوت معناداری مناطق از نظر شاخص های موثر در بهبود مشارکت محله محور (آزمون آنووا)

شاخص	واریانس	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	Sig
شفاف سازی	بین گروهی	38/539	۴	9/635	20/651	0/000
	درون گروهی	147/897	۳۱۷	0/467		
	مجموع	186/436	۳۲۱	***		
توانمندسازی جامعه محلی	بین گروهی	44/913	۴	11/228	17/778	0/000
	درون گروهی	200/211	۳۱۷	0/632		
	مجموع	245/124	۳۲۱	***		
پایگاه اقتصادی	بین گروهی	29/736	۴	7/434	12/015	0/000
	درون گروهی	196/132	۳۱۷	0/619		
	مجموع	225/868	۳۲۱	***		
بسترهای ارزشی	بین گروهی	27/916	۴	6/979	9/732	0/000
	درون گروهی	227/337	۳۱۷	0/717		
	مجموع	255/254	۳۲۱	***		
احساس تعلق مکانی	بین گروهی	10/477	۴	2/619	4/865	0/001
	درون گروهی	170/687	۳۱۷	0/538		
	مجموع	181/164	۳۲۱	***		

(نگارنده گان، ۱۳۹۹)

پس از مشخص شدن تفاوت شاخص های موثر در مشارکت محله محور در سطح مناطق شهری، از آزمون دانکن نیز برای بررسی وجود این اختلافات استفاده شد. از نظر شاخص شفاف سازی بیشترین میانگین مربوط به منطقه پنج با میانگین ۳/۹۰ و کمترین مربوط به منطقه سه با میانگین ۳/۰۴ است. در زمینه شاخص توانمندسازی جامعه محلی نیز بیشترین میانگین منطقه پنج با ۴/۱۰ و کمترین مربوط به منطقه یک با ۳/۰۷ است. برای شاخص پایگاه اقتصادی، حداکثر میانگین برای منطقه دو با ۴/۰۲ و حداقل میانگین برای منطقه سه با ۳/۱۵ است. برای شاخص بسترهای ارزشی نیز بیشترین میانگین مربوط به منطقه پنج با ۳/۷۸ و کمترین مربوط به منطقه سه با ۲/۹۶ است. در زمینه شاخص احساس تعلق مکان نیز منطقه دو با ۳/۹۲ بیشترین میانگین و کمترین نیز مربوط به منطقه ۳/۴۴ با منطقه است.

جدول (۹). اختلافات مناطق شهری از نظر شاخص های موثر در بهبود مشارکت محله محور (آزمون دانکن)

منطقه شهری	معناداری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵				
	تعداد نمونه	شفاف سازی	توانمندسازی	پایگاه اقتصادی	بسترهای ارزشی
منطقه یک	۶۸	۳/۲۷	۳/۰۷	۳/۵۵	۳/۳۷
منطقه دو	۶۴	۳/۷۷	۳/۶۷	۴/۰۲	۳/۷۱

منطقه سه	۶۴	۳/۰۴	۳/۲۱	۳/۱۵	۲/۹۶	۳/۴۴
منطقه چهار	۶۳	۳/۸۶	۳/۷۳	۳/۳۶	۳/۵۸	۳/۴۵
منطقه پنج	۶۳	۳/۹۰	۴/۱۰	۳/۷۶	۳/۷۸	۳/۴۶

(نگارنده گان، ۱۳۹۹)

بحث و نتیجه گیری

این تحقیق به بررسی تاثیرگذاری شاخص های مختلف در بهبود مشارکت محله محور و ارتقای کیفیت خدمات شهری پرداخته است. سنجش شاخص کیفیت خدمات شهری در سطح متغیرها تایید می نماید که ۵ متغیر قابلیت اعتماد، پاسخگویی و مسئولیت پذیری، اطمینان، همدلی و توجه و عوامل ملموس و محسوس، از نظر شهروندان، ضعیف هستند. در حقیقت شهروندان نسبت به عملکرد شهرداری و مدیران، اعتماد ندارند. از نظر آنها مسئولیت پذیری، پاسخگویی و توجه به شهروندان از سوی کارشناسان پایین بوده است. بنابراین شهروندان نسبت به کیفیت خدمات شهری با توجه به متغیرهای ذکر شده، رضایت مناسبی ندارد و از نظر آنها کیفیت خدمات ارائه شده در زمینه های مختلف ضعیف است. همین نامناسب بودن و عدم رضایت مندی شهروندان به خدمات شهری، عاملی مهم در کاهش مشارکت شهروندان است.

نتایج گویای این است که شاخص های احساس تعلق مکانی، شفاف سازی در عرصه های مختلف، توانمندسازی جامعه محلی به روش ها مختلف، پایگاه اقتصادی فردی و اجتماعی و همچنین بسترهای ارزشی در بهبود مشارکت محله محور جهت ارتقا کیفیت خدمات شهری نقش دارند. این تاثیرگذاری از طریق روش های و رویکردهای مختلف قابل تحقق است. در این زمینه شاخص احساس تعلق مکانی نقش مهمی در زمینه بهبود مشارکت مردم دارد و در حقیقت هنوز هم ریشه های فرهنگی و فردی در هر محله تاثیر زیادی دارد. علاوه بر این شفاف سازی نیز از دیگر شاخص هایی است که با تاکید بر آن می توان به بهبود مشارکت محله محور کمک نمود. نتیجه این بخش از تحقیق با تحقیقات مومنی و همکاران^۱ (۲۰۱۱)، نواینگ^۲ (۲۰۱۷)، داس و همکاران^۳ (۲۰۱۹)، لی و همکاران^۴ (۲۰۲۰)، شربتی (۱۳۹۷) که بر شاخص هایی مختلفی مانند درک مدیران نسبت به نیازهای شهروندان، اعتماد، شفاف سازی عملکرد، توانمندسازی، اطلاع رسانی، آموزش، مشورت، ظرفیت سازی، درک جایگاه شهروندان و آداب و ارزش ها تاکید دارند، همخوانی دارد.

همچنین مشارکت های یدی، مالی و فکری تاثیر زیادی در بهبود مشارکت محله محور و ارتقاء کیفیت خدمات شهری دارد؛ این مطلب را بررسی دیدگاه شهروندان نسبت به انواع مشارکت نشان می دهد. بنابراین مشارکت شهروندان در صورت توجه و تاکید بیشتر، به توسعه پایدار شهری می انجامد. عمر و همکاران^۵ (۲۰۱۷) و هانگ^۶ (۲۰۱۸)، شبستر و همکاران (۱۳۹۷) و رضایی کوچی (۱۳۹۸) نیز تاکید می نمایند که مشارکت شهروندان به روش های مختلف از

1 . Momeni et al

2 . Stelzle and Noenning

3 . Das et al

4 . Li et al

5 . Omar et al

6 . Hong

جمله حمایت های مالی، حمایت مشورتی در تصمیم گیریها(فکری)، ایجاد دفاتر تسهیل گری(فکری) و دخیل نمودن آنها در طرح ها، می تواند به بهبود مشارکت در سطح محلات شهری منجر شود. بنابراین نتایج این بخش از تحقیق با تحقیقات ذکر شده همپوشانی دارد.

با توجه به اینکه میان مناطق شهری نیز تفاوت معناداری از نظر خدمات و کیفیت آنها وجود دارد، بایستی نوع رویکرد برنامه ریزی شهر تغییر پیدا کند و به سمتی پیش رود که روش های مبتنی بر مشارکت مورد تاکید باشد؛ چرا که در عصر حاضر بایستی پذیرفت، بدون مشارکت شهروندان در عرصه های مختلف، امکان توسعه شاخص های گوناگون وجود ندارد و یا اینکه در ادامه، با مشکلاتی مختلفی روبه رو می شویم. از این رو برای ارتقاء جایگاه مشارکت شهروندان به صورت محله محوری و ارتقای کیفیت خدمات شهری، توزیع مبتنی بر عدالت در ارائه خدمات شهری مورد تاکید باشد. همچنین شاخص های تاثیرگذار در بهبود مشارکت محله محور که در این پژوهش اشاره شد، مورد تاکید قرار گیرد. اجرای چنین شاخص هایی در برنامه ریزی محله محور، نیازمند تغییر رویکرد در برنامه ریزی و برنامه ریزان شهر مورد مطالعه دارد.

نوآوری این تحقیق با تحقیقات گذشته به دو صورت است. اول از نظر روش شناسی که از روش معادلات ساختاری استفاده شده است. دوم اینکه برخی شاخص های مهم از جمله شفاف سازی، توانمندسازی و تعلق مکانی نیز مورد تاکید بوده است که در تحقیقات قبلی کمتر مورد توجه بوده است. در حقیقت در این تحقیق دیدگاه حاکم یک دیدگاه عدالت محور و مبتنی بر توسعه فضایی پایدار و مشارکتی بوده است. بر اساس نتایج به دست آمد چند پیشنهاد ارائه می شود.

۱- پیشنهاد می شود با توجه به نتیجه تحقیق، شاخص شفاف سازی در عرصه های مختلفی اداری و سازمانی مورد تاکید باشد تا شهروندان نسبت به موضوعات مختلف دانش و آگاهی کافی داشته باشند. از این رو شفافیت بودجه(هزینه و درآمدهای شهرداری)، شفافیت نسبت به پروژه های عمرانی، شفافیت نسبت به عملکرد مدیران و غیره مهم است. ۲- با توجه به نتیجه این تحقیق مبنی بر اهمیت شاخص احساس تعلق مکانی در مشارکت مردم، پیشنهاد می شود که در اجرای طرح ها و برنامه ها در سطح محلات شهر زاهدان، این موضوع به صورت جدی مورد لحاظ قرار گیرد و از ظرفیت های موجود استفاده شود. ۳- پیشنهاد می شود با روش های مختلف از جمله حضور مردم در جلسات، تشکیل انجمن ها در سطح محلات و غیره، سطح بکارگیری مشارکت فکری یا مشاوره ای را بهبود بخشید.

منابع

۱. آروین، محمود؛ فرهادی خواه، حسین؛ پوراحمد، احمد. (۱۳۹۶). بررسی شاخص های زمینه ساز مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه ی موردی: منطقه ی ۹ شهر تهران)، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۸(۲۹): ۳۳-۵۱.
۲. اسکندری ثانی، محمد؛ سجادی، ژیا؛ صرافی، مظفر. (۱۳۹۳). ظرفیت توسعه اجتماعات محلی در کاهش فقر شهری و عوامل موثر بر توسعه آن مورد شناسی: نعمت آباد تهران(محلات جنوبی شهر تهران)، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۱۴(۱۵): ۱-۲۱.
۳. بزی، خداحم؛ میرکتولی، جعفر؛ زایدلی، حاجی سلطان. (۱۳۹۶). ارزیابی نقش و تأثیر شورایاران محلی بر افزایش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری محله محور مطالعه ی موردی: شهر گرگان، مجله جغرافیا و توسعه، ۱۵(۴۶): ۱۴۷-۱۶۸.

۴. رضایی کوچی، محمود. (۱۳۹۸). بررسی نقش مشارکت شهروندان در افزایش موفقیت مدیریت شهری مورد: کلانشهر شیراز، مجله برنامه ریزی شهری، ۱۰(۳۸): ۵۱-۶۲.
۵. رضایی، محمدرضا؛ نگین ناجی، سوده. (۱۳۹۴). بررسی راهکارهای موثر در ایجاد محله پایدار با رویکرد مشارکتی (مطالعه موردی: محله راهنمایی یاسوج)، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۶(۲۰): ۶۹-۸۲.
۶. زارع، الهام؛ فرامرزی اصل، مهسا؛ عباسی پارام، الناز. (۱۳۹۹). بررسی نقش مشارکت اجتماعات محلی در توسعه پایدار اجتماعی شهرها، مجله معماری شهر پایدار، ۸(۱): ۱۰۱-۱۱۷.
۷. شایان، حمید؛ جلالیان، حمید؛ تقیلو، علی اکبر؛ خسرو بیگی، رضا؛ عنابستانی، علی اکبر. (۱۳۹۱). تحلیل عوامل ساختاری مؤثر بر مشارکت روستاییان در توسعه نواحی روستایی (مطالعه موردی شهرستان ایجرود- استان زنجان)، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۴(۱۲): ۲۵-۴۵.
۸. شبستر، محسن؛ فلاح حیدری، فاطمه؛ مرادی، زهرا. (۱۳۹۷). الزامات مشارکت جویی و مشارکت پذیری در فرآیند ساماندهی بافت های فرسوده شهری از نظر جامعه محلی، مورد مطالعه: شهر قم، جغرافیایی سرزمین، ۱۵(۵۹): ۱۱۵-۱۳۶.
۹. شربتی، اکبر. (۱۳۹۷). میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: شهر گنبد)، مجله آمایش محیط، ۱۱(۴۱): ۱۶۱-۱۸۳.
۱۰. شریف زاده، فتاح؛ صادقی، جواد. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، مجله مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)، ۱۹(۵۹): ۴۷-۷۰.
۱۱. عبدالحی، مجید؛ صرافی، مظفر؛ توکلی نیا، جمیله. (۱۳۸۹). بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله های شهری ایران، پژوهش های جغرافیای انسانی، ۷۲(۲): ۸۳-۱۰۲.
۱۲. عنابستانی علی اکبر؛ خسرو بیگی رضا؛ تقیلو، علی اکبر؛ زارعی، ابوالفضل. (۱۳۹۲). بررسی الگوی فضایی - مکانی عاملیت های مؤثر بر نهادینه شدن مشارکت مردم در نواحی روستایی بخش جعفر آباد، شهرستان قم، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۳(۳۱): ۲۷-۷.
۱۳. غفاری گیلانده، عطا؛ موسی زاده، چیمین؛ آهنگری، نوید. (۱۳۹۳). سطح بندی مشارکت های شهروندی محله مدار در نظام مدیریت شهری (مورد شهر بوکان)، مجله اقتصاد و مدیریت شهری، ۷(۲): ۸۱-۹۹.
۱۴. قیصری، نورالله. (۱۳۹۸). مشارکت اجتماعی؛ معناکاوی یک مفهوم راهبردی، فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، ۴(۱۱): ۳۱-۵۹.
۱۵. لطیفی، غلامرضا؛ سعادت، الهام؛ سوزی، امیر. (۱۳۹۳). تدوین الگوی مدیریت محله محور با رویکرد توسعه پایدار (نمونه موردی: محلات مسجد الزهرا، ۱۵ خرداد و نظامی، شهر زرین شهر اصفهان)، اولین همایش ملی در جستجوی شهر فردا "واکاوی مفاهیم و مصادیق در شهر اسلامی - ایرانی، تهران.
۱۶. ماجدی، حمید؛ دشتکی، نجمه. (۱۳۹۳). بررسی اثرات مدیریت محله محور بر روی اعتماد شهروندان به مدیریت شهری، مجله هویت شهر، ۳۲(۱۱): ۹۳-۱۰۴.

۱۷. محمدی ناصر، مجتبی زاده خانقاهی حسین، توکلان علی. (۱۴۰۰). **تحلیلی بر حکمروایی شهری مبتنی بر ارائه الگوی بهینه (مطالعه موردی شهر گرمدره)**، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی. ۲۱ (۶۳): ۳۸۰-۳۶۱.

۱۸. موسایی، میثم؛ شیانی، ملیحه. (۱۳۸۹). **مشارکت در امور شهری و الزامات آن در شهر تهران**، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۰ (۳۸): ۲۴۵-۲۶۸.

۱۹. میرمحمدی، سید محمد؛ حسین پور، داود؛ قاسمی بنابری، حمیدرضا. (۱۳۹۶). **عوامل کلیدی موفقیت توانمندسازی کارکنان**، نشریه مطالعات مدیریت، ۲۵ (۸۳): ۹۳-۱۱۴.

۲۰. نوربان، فرشاد؛ مظفری پور، نجمه. (۱۳۹۲). **ارزیابی عملکرد مدیریت محله محور با تأکید بر شاخصه های سرمایه اجتماعی مورد پژوهی: محلات ۷ گانه ناحیه ۱ منطقه ۲۱ شهرداری تهران**، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی ۱۸ (۴): ۴۷-۵۶.

21. Balamoune-Lutza M.(2011). **Trust-based social capital, institutions, and development**, The Journal of Socio-Economics, 40(1): 335-346.Doi. <https://doi.org/10.1016/j.socec.2010.12.004>
22. Campbell, E.J.R., henly, D.,Elliott, S., Irwin,K. (2009). **Subjective constructionsof neighborhood boundaries: lessonsfrom a qualitative study of fourneighborhoods**, journal of urban affairs, 31, 461-490. Doi.org/10.1111/j.1467-9906.2009.00450.x
23. Cruz, R.B., Marins, K.R.(۲۰۱۹). **Urban planning and popular participation: A diagnosis of the effectiveness of participatory processes applied to the revision of São Paulo master plan**, Habitat International, 88 :21-39. Doi.org/10.1016/j.habitatint.2019.05.006
24. Das, R., Laishram, B., Jawed, M.(2019). **Public participation in urban water supply projects – The case of South-West Guwahati, India**, Water Research,165(4):41-۵۷.
25. Diyanah Inani Azmi and Hafazah Abdul Karim(2012), **Implications of Walkability towards Promoting Sustainable Urban Neighbourhood**. AcE-Bs 2012 Bangkok ASEAN Conference on Environment-Behaviour Studies, Bangkok, Thailand, Social and Behavioral Sciences 50 (2012): 204 – 213.
26. Erkip, F.(1997). **The distribution of urban public services: the case of parks and recreational services in Ankara**, Cities, 14(6): 353-361. Doi.org/10.1016/S0264-2751(97)00026-7
27. Hong, Y.(2018). **Resident participation in urban renewal: Focused on Sewoon Renewal Promotion Project and Kwun Tong Town Centre Project**, Frontiers of Architectural Research, 7(2): 197-210. Doi.org/10.1016/j.foar.2018.01.001
28. Huang H.(2020). **learning from exploratory rural practices of the Yangtze River Delta in China: New initiatives, networks and empowerment shifts, and sustainability**, Journal of Rural Studies, 77(2): 63-74.Doi. <https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2020.04.019>
29. Li,W., Feng, T., Timmermans, H., Li, Z., Zhang, M., Li, B.(2020). **Analysis of citizens' motivation and participation intention in urban planning**, Journal of Cities , 106(4):54-68. Doi.org/10.1016/j.cities.2020.102921

30. Matamanda, A., Chinozvina, Q.(2020). **Driving Forces of Citizen Participation in Urban Development Practice in Harare, Zimbabwe**, Land Use Policy, 99(4):43-57. Doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.105090
31. Momeni, M., Shamskooshki, H., Javadian,M.(2011). **Application of Neighborhoods Council Associations in Sustainable Urban Management Based on Citizen Participation**, Procedia Engineering, 21:65-71. Doi.org/10.1016/j.proeng.2011.11.1988
32. Omar, D., Omar, K.F., Othman, S., Yusoff, Z.M.(2017). **Youth Participation in Urban Neighbourhood Community**, Procedia - Social and Behavioral Sciences, 234(4):309-316. Doi.org/10.1016/j.sbspro.2016.10.247
33. Stelzle, B., Noenning, J.R.(2017). **A Database for Participation Methods in Urban Development**, Procedia Computer Science, 112: 416-2425. Doi.org/10.1016/j.procs.2017.08.173
34. Wang W.(2008). **Rural management, The Way Out for Tibetan Rural Areas**, Journal of the Washington Institute of China Studies, 3(3): 75-84.Doi. <https://core.ac.uk/download/pdf/235986545.pdf>

Measuring effective indicators in improving neighborhood-based participation (case study of Zahedan city)

Hashem Zehi, PhD Student in Geography and Urban Planning, Islamic Azad University, Zahedan Branch, Zahedan, Iran

Email: nazirhashemzhi@gmail.com

, Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Islamic Azad University, Zahedan Branch, Zahedan, Iran

Email:gholam_reza_miri@yahoo.com

, Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Islamic Azad University, Zahedan Branch, Zahedan, Iran

Email: rezazadeh2008@gmail.com

Abstract

Utilizing neighborhood capacities and redefining the role of citizens at the urban neighborhood level has led to a new approach called neighborhood-based participation; Because many urban challenges are rooted in the lack of citizen participation. The city of Zahedan is no exception. In order to achieve neighborhood-based participation, it is very important to pay attention to and strengthen some indicators. The purpose of this study is to measure the effective indicators in improving neighborhood-based participation to improve urban services in the city of Zahedan. The research method is descriptive-analytical and based on data collection in the field through a questionnaire. The statistical population of the study consists of 587730 citizens living in Zahedan. The sample size was calculated using the Cochran's formula of 322 people. Examination of 5 variables of reliability, accountability and responsibility, reliability, empathy and attention and tangible and tangible factors show that all 5 variables were significant at the level of less than 0.05. Examining the difference between the mean and t-test statistics confirmed that citizens do not trust the performance of the municipality and managers. Also, one-sample t-test shows that the indicators of transparency, empowerment, economic base, value bases and sense of place are equal to 0.000 and less than 0.05 are significant. This article

points to the impact of these indicators on improving neighborhood-based participation. Based on the results of the structural equation model, the greatest effect is related to the transparency index with 0.19, then the sense of spatial belonging with 0.15. Also, one-sample t-test shows that voluntary contributions (mean difference of 0.510), financial (mean difference of 0.611) and intellectual (mean difference of 0.486) with a significance level of less than 0.05 can have a great impact on Improve neighborhood-based participation and improve the quality of municipal services.

Keywords: index, participation, central neighborhood, Zahedan city